



بسم الله الرحمن الرحيم

فقه التریبه

امر به معروف و نهی از منکر

حکم اولیه امر و نهی در واجبات و محرمات / ادله خاصه «امر به معروف و نهی از منکر»

آیه ۷۱ سوره توبه

آیه پنجم آیه ۷۱ سوره توبه است، البته در سوره توبه آیه ۶۷ داریم که آن الان محل کلام نیست، آیه ۶۷، منافقون را توصیف می‌کند؛ «الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»، آن مربوط به این است که یکی از نشانه‌ها منافقین این است که امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند. - این آیه نیز محل بحث دارد ولی الان محل کلام ما نیست، آنجا قرائن نشان می‌دهد که امر و نهی در آنجا امور محرمی است؛ امر به منکر و نهی از معروف.

اما در تناظر با اینها و تقابل با منافقین آیه ۷۱ آمده است؛ «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»، این آیه پنجم در ادله قرآنی امر به معروف و نهی از منکر است.

وجوه کاربرد واژه «أَوْلِيَاءُ»

الف. بالنسبه مؤمنین

نکته‌ای که در تفاوت این آیه با آیه منافقون آمده است این است که آنجا آمده است بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ، ولی اینجا دارد بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ، این نشان دهنده این است که همبستگی کفر و نفاق همبستگی سطحی و رویین است و عمق ندارد اما همبستگی مؤمنان همبستگی ایمانی است که ریشه در امور عمیق‌تری دارد و لذا در آنجا اولیاء ندارد ولی در اینجا دارد،



ب. بالنسبه كفار

البته اولیا گاهی هم در مورد کفر نیز آمده است؛ اولیاهم الطاغوت یا در بین خودشان نیز گفته شده است متنها جمع اینکه در بعضی جاها در منافقین و کفار، اولیا را به کار برده است و بعضی جاها به کار نبرده است، وجوهی دارد؛

۱. شاید بهترین وجه آن این باشد که در واقع ولایت و دوستی و همبستگی مراتبی دارد و بعضی مراتب آن در کفار نیز وجود دارد و لذا آنجایی که تعبیر به اولیا می کند اشاره به مراتب نازل است، اما مراتب بالاتر و عمیق آن نیست و لذا جایی که مقابله شود چنین تعبیر کرده است والا با قطع نظر از مقایسه، تعبیر ولایت بین کفار مانعی ندارد.
۲. وجه دیگر این است که در منافقون چون نفاق به ظاهرکاری است غیر از کفار است، از این جهت است که اولیا در اینجا تعبیر نکرده است.

دلالت آیه بر رجحان

آیا از این آیه الزام استفاده می شود؟ طبق قاعده ای که بیان شد از این آیه الزام استفاده نمی شود، بلکه مؤمنین را تصویر و توصیف می کند و از جمله امر و نهی و اقامه نماز و زکات و اطاعت خدا و رسول خدا است و توصیف مؤمنان افاده وجوب نمی کند الا اینکه قرینه ای باشد، اینجا تنها قرینه ای که وجود دارد همان سیاق است که اقامه نماز و ایتای زکات و اطاعت خدا اینها همه واجب است پس امر به معروف و نهی از منکر نیز واجب باشد.

سوال: ۴:۳۳

جواب: آن قرینه ای نمی شود، آن امر به منکر است، نهی از معروف است و قرینه داخلی دارد که آن حرام است. آن هم اگر معروف و منکر در آن را مطلق فرض نگیریم والا آن قرینه داخلی دارد ولی امر به معروف ممکن است که مطلق باشد و لذا قرینه داخلی ندارد، از قرینه تقابل هم چیزی افاده نمی شود، سیاق نیز بحث خیلی تامی نیست، از این جهت است که این آیه نیز در زمره آیاتی که قاعده عامه را بیان می کنند قرار گرفته، خوبی امر به معروف و نهی از منکر بیان می کند.

آیه ۱۱۲ سوره توبه

آیه ششم آیه ۱۱۲ سوره توبه است و در مورد این آیه نیز همان مطالب آیات ماقبل جریان دارد؛ «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»، این آیه شریفه نیز از آیات امر به معروف و نهی از منکر است و اینجا نیز مؤمنان را توصیف می کند، گرچه بعضی از اینها امور واجب است ولی سیاق قرینیت و دلالتی ندارد، از این جهت این نیز همان قاعده عامه رجحان امر به معروف و نهی از منکر را افاده می کند.



آیه ۴۱ سوره حج

آیه هفتم آیه ۴۱ سوره حج است؛ آیه قبل آن همان آیه مشهور است که «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰) الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۴۱)» این آیه نیز به عنوان دلیلی از ادله امر به معروف و نهی از منکر محل کلام قرار گرفته است.

دلالت آیه بر رجحان

این آیه می‌فرماید مؤمنان کسانی هستند که اگر تمکینی در زمین پیدا کنند و امکانات و قدرتی داشته باشند نماز را به پا می‌دارند و زکات را می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نشانه مؤمنان این است که اگر قدرت پیدا کردند هم خود به این تکالیف عمل می‌کنند و نیز دیگران را به سمت آن دعوت می‌کنند. نشانه مؤمن این است که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، ولی اینکه این از نشانه‌های الزامی مؤمن است یا از نشانه‌های رجحانی قرینه واضحی وجود ندارد، البته اینجا شاید اشعاری بیش از ادله قبلی داشته باشد، می‌گوید اگر اینها قدرت پیدا کنند قیام به این امر می‌کنند، یعنی اگر این توانایی را به دست آوردند گویا این کار را ترک نمی‌کنند یعنی گویا امر به معروف و نهی از منکر نیازمند به استطاعت و توانمندی است و کسی که این توانمندی را به دست بیاورد آن را ترک نمی‌کند، اینها در حدّ اشعارات است و نمی‌توان از این وجوبی را استفاده کرد، یعنی اگر ما بودیم و امر به معروف و نهی از منکر و همین یک آیه، نمی‌توانستیم از این استفاده کنیم که این امر برای اینها واجب است.

سوال: ۹:۲۵

جواب: وقتی ایمان خواسته شد، ایمان همه لوازم و شرایطش آن نیست، هم منطقاً اینطور نیست و هم اینکه آن قدر اوصاف مستحبی در آیات و روایات برای مؤمن ذکر شده است که آن اصل خیلی استحکامی ندارد، اگر این حرف را کسی بپذیرد خیلی چیزها عوض می‌شود ولی پذیرفتن آن خیلی مشکل است.

سوال: ۱۰:۲۵

جواب: اینکه می‌گوید إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ این کارها را انجام می‌دهند، نماز و ... که همیشه واجب است و تمکن فی الأرض نمی‌خواهد. مکناهم فی الأرض نیز بعد اجتماعی دارد و غیر از مطلق قدرت است، إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ یعنی به او قدرت دادیم، مقصود در آیه قدرت اجتماعی است نه صرف قدرت.



مفهوم «مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ»

تمکن یک معنای عام دارد ولی تمکن فی الأرض نوع خاصی از قدرت یعنی قدرت اجتماعی است که مراتب دارد، بعضی خواسته‌اند بگویند این یعنی حکومت، ما حکومت نمی‌گوییم ولی قدرت اجتماعی دارد، گاهی حاکمیت دست اینها نیست ولی اقلیتی است که خیلی قدرت دارد.

مراد از تمکن در مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ مطلق تمکن نیست ولی خصوص حاکمیت نیز نیست که ما خیلی وقت‌ها می‌گوییم یعنی حاکمیت بلکه اَمْرٌ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ است، مطلق تمکن را با تعبیر تمکن فی الأرض نمی‌گویند،

۱. اینکه انسان بتواند و قادر باشد شخصاً نماز بخواند یا نخواند این با آن ناظر نیست، شرط استطاعت و قدرت که از شرایط عامه تکلیف است این مقصود نیست؛

۲. حکومت نیز مقصود نیست؛

۳. مقصود از مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ این است که نوعی توانایی اجتماعی دارد، این توانایی اجتماعی گاهی شکل حاکمیتی دارد، گاهی این طور نیست و همان است که امروزه به آنها مردم نهاد می‌گویند، قدرت‌هایی اجتماعی که در درون حاکمیت است آنها را نیز شامل می‌شود.

جمع‌بندی

به نظر می‌آید مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ نه آن قدر وسیع است که بگوییم مراد آیه؛

۱. مطلق تمکن است اگرچه تمکن‌های شخصی باشد، زیرا فی الأرض آن را نفی می‌کند؛

۲. نه آنقدر محدود است که مقصود این باشد که اینها حکومت را به دست گرفتند؛

۳. بلکه معنای بینابین است یعنی نوعی توانمندی اجتماعی دارند.

مفهوم «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»

نکته بعدی این است که در «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» را به دو شکل معنا کرده‌اند؛

۱. بعضی می‌گویند أَقَامُوا الصَّلَاةَ یعنی ترویج و تبلیغ و به پا داشتن نماز است؛

چنین برداشت‌های مخصوصاً قبل از انقلاب بود،

۲. اما واقع این است که أَقَامُوا الصَّلَاةَ یعنی همان است که فرد خود نماز بخواند زیاده‌المبانی تدلّ علی زیاده

المعانی، أَقَامُوا الصَّلَاةَ یعنی نماز را خوب به پا دارد، شرایط و اطراف و جوانب را رعایت کند و نماز درست و



کامل بخواند، حداکثر معنای آیه این است و لذا أَقَامُوا الصَّلَاةَ یعنی اینکه نماز را بخواند، اتوا الزَّكَاةَ یعنی اینکه زکات را می‌دهد، اینها متوقف بر تمکن در عرض و قدرت اجتماعی نیست.

«امر به معروف و نهی از منکر» ویژگی جامعه ایمانی

پس إِنَّ مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ یعنی داشتن توانایی اجتماعی، نه حکومت؛ برپا کردن نماز و پرداختن زکات توانایی اجتماعی نمی‌خواهد و معنای آن این است که نماز را می‌خواند، پس جمع این دو نکته به این است که جمله بعدی در واقع مجموع است، مجموع جمله بعدی است که تمرکز آن نیز روی أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ است و درواقع می‌خواهد بگوید اگر قدرت اجتماعی داشتند این مجموعه هم نماز می‌خواندند، هم زکات می‌دهند، هم امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، یعنی این بسته در جامعه اجرا می‌شود - حالت بسته‌ای دارد - اینجا شاید خیلی حالت استغراقی، انحلالی نداشته باشد، چون می‌گوییم اصل انحلال است و هر کدام مستقل چیزی دارد ولی به نظر می‌آید اینجا دید اجتماعی جمعی مقصود است و حالت بسته‌ای است یعنی وقتی قدرت ایمانی شکل گرفت، اقامه نماز و ایتای زکات و امر به معروف و نهی از منکر باهم محقق می‌شوند، شاید این باشد یعنی درواقع این برخلاف اینکه وقتی جمله‌های متعدد یکجا می‌آید، تک تک آنها یک حکم مستقل است، «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» یک حکم است، وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَفَلَحَ الْمُؤْمِنُونَ^۱، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ^۲، هر کدام از این عبارات، استغراقی هستند اما اینجا برای حل بحث قبلی که دو نکته را بیان کردیم باید بگوییم این مجموعه به صورت بسته‌ای می‌خواهد بگوید اینها نشانه جامعه ایمانی است، جامعه و قدرتی اگر قدرت ایمانی باشد باید تمام این ویژگی‌ها در آن محقق شود.

سوال: ۱۶:۲۷

جواب: أَقِمِ الصَّلَاةَ لِلدُّلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ^۳، نیاز به قدرت فردی دارد، یا باید با برداشت روشنفکرانه قبل از انقلاب بگوییم أَقَامُوا الصَّلَاةَ؛ یعنی نماز را به عنوان یک چیز اجتماعی رواج دهیم، یا اینکه بگوییم این مجموعه مقصود است، یعنی جامعه‌ای که توانایی ایمانی دارد جامعه‌ای است که به تمام این امور توجه دارد.

سوال: ۱۷:۱۹

^۱. آل عمران، آیه ۱۰۴

^۲. مؤمنون، آیه ۱

^۳. مؤمنون، آیه ۲

^۴. اسراء، آیه ۷۸



جواب: یا باید أَقَامُوا الصَّلَاةَ را این به شکل دیگر در نظر بگیریم یا باید بگوییم به صورت مجموعه قرار می گیرد منتها أَقَامُوا الصَّلَاةَ قرآن غالباً یعنی اینکه نماز را خوب بخوان.

جمع بندی

نکاتی که در این آیه وجود داشت این است که؛

۱. مراد در مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ، حکومت نیست ولی قدرت فردی نیز نمی باشد در این صورت تحلیل جمله های بعدی را یا باید مجموعی در نظر بگیریم یا أَقَامُوا الصَّلَاةَ را به این معنا بگیریم ولی آتَوُا الزَّكَاةَ هم دارد، هر کسی که زکات به مالش تعلق می گیرد به مستحق می دهد.

سوال: ۱۹:۲

جواب: این مجموعه یک جامعه ایمانی شکل می دهد والا تک تک افراد زکات را می دهد، یعنی اقلیتی که در تقیه مطلق است و به وظیفه شخصی خود در اعطای زکات عمل می کند.

سوال: ۱۹:۲۵

جواب: آتَوُا الزَّكَاةَ در قرآن این بار را ندارد و اقاموا گاهی این احتمال را دارد.

سوال: ۱۹:۴۰

جواب: ما همین قرینه مکننا را می گوئیم، یا باید اقاموا و آتوا را ترویج انجام بدهی یا باید بگویی اینجا مقصود باهم است، آن وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ در واقع اینها را بست می دهد یعنی خودش است و به دیگران نیز توجه دارد، با امر و نهی. نتیجه یکی است ولی دو احتمال است و خیلی فرق می کند؛

۱. گاهی می گوئیم آن نتیجه این است، حالت استغراقی جمله های بعدی محفوظ است و به اقاموا و اتوا یک بار اجتماعی دادیم

۲. گاهی می گوئیم اقاموا و اتوا در قرآن بار اجتماعی به آن معنایی که می گوئیم ندارد، آن وقت ما باید این را بسته ای ببینیم، یعنی جامعه ایمانی جامعه ای است که این تکالیف با امر به معروف و نهی از منکر همه باهم جمع شده است.

سوال: ۲۰:۳۷

جواب: غالباً این طور است ولی ملازم نیست، اگر شما در جامعه ای باشید مسلمانی در گوشه ای از دنیا، دو سه نفر هستند، اینجا آتوا الزکاه، اقاموا هم حداقل به آن معنایی که خیلی جای قرآن به کار می رود اقام الصلاه، این دو سه نفر اقامه نماز کردند، این خیلی با بحث ما ربط ندارد.



اشعار به وجوب در آیه ۴۱ سوره حج

این آیه نیز مخصوصاً اگر حالت بسته‌ای نگاه کنیم که می‌گوید اگر تمکن داشته، این کار را انجام می‌دهند، این بیان نشانه این است که اشعار به وجوب در این آیه وجود دارد ولی باز سخت است که بگوییم اگر این آیه تنها بود از آن وجوب استفاده می‌کردیم ولی اشعار به وجوب در این آیه خیلی بیشتر از بعضی آیات دیگر است.

آیه ۱۷ سوره لقمان

آیه هشتم آیه ۱۷ سوره لقمان است؛ «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ اینها توصیه‌هایی در سوره لقمان است که لقمان به فرزند خود دارد؛ می‌فرماید أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛ در این آیه نیز چند نکته وجود دارد که بیان می‌کنم؛

دلالت آیه بر رجحان شرعی

یکی اینکه از این آیه وجوب استفاده می‌شود یا خیر؟ این فرمانی است که لقمان به فرزند خود داده است و فرمان لقمان هم فرمانی بوده است که الهی بوده است، با تحفظ بر اینکه این امر است و از ناحیه حضرت لقمان است که به عنوان یک فرد الهی بوده؛ یا پیامبر یا شأن پیامبری داشته است، ظاهر روایات این است که پیامبر نبوده گرچه آن مقامات و آن شأن را داشته است.

وجوه اوامر حضرت لقمان سلام الله علیه

امری که او می‌کند آیا دلالت بر وجوب می‌کند یا خیر؟

۱. ممکن است بگوییم او به عنوان شأن پیامبری امر می‌کند و این دلالت بر وجوب می‌کند، ظاهر آن این است که از طرف خداوند این را ابلاغ می‌کند یعنی خدا فرموده و او واسطه و مبلغ است، این یک احتمال است که اگر شأن مبلغی داشته باشد حکم الهی را برای فرزند خود بیان می‌کند.
۲. ممکن است بگوییم اینجا چون پدری و فرزند است جناب لقمان نوعی شأن ولایت پدری را اعمال می‌کند، این امر به معروف چیز خوبی بوده متنها او از موضع پدری می‌گوید این کار را انجام بده.

۹. لقمان، آیه ۱۷



اوامری که از لقمان در این آیات و در روایات به عنوان نصایح لقمان یا نصایح شخصیت‌هایی از این قبیل آمده است، - نصایحی که به فرزندان و به نزدیکان است - مشمول این دو احتمال خواهند بود؛ بنابراین

۱. یک احتمال این است که این ابلاغ به عنوان تبلیغ الهی استغ
۲. احتمال دوم این است که این ابلاغ تربیتی خانوادگی است، او به عنوان ولی و دلسوز فرزند به او توصیه می‌کند، این چیز خوبی بوده و او الزام می‌کند. الزام در و أمر بالمعروف هم اگر باشد ولی چون فضا، فضای تربیت خانوادگی و ولایی است الزام شرعی از آن بیرون نمی‌آید.

وجه احتمال اول: قرینیت ذکر اوامر لقمان در قرآن

ممکن است گفته شود آمدن این اوامر در قرآن شاهی برای احتمال اول است، خدا از او نقل می‌کند و لذا این یک امر مولوی شرعی است که او دارد ابلاغ می‌کند، اما جواب این است که اشاره به یک چیزی از سنت و سیره پیشینیان در قرآن دلیل می‌شد که قرآن این را قبول دارد و از موضع شرعی و مولوی تقریر و تثبیت می‌کند اما در جایی که فضای خانوادگی است و به فرزند خود نصیحتی می‌کند شاید آن قرینیت نباشد؛ زیرا این فضای ویژه تربیتی است و او از موضع ولایی خود پرورش می‌دهد، خدا هم این را قبول دارد و می‌گوید شما بروید و از موضع ولایی فرزندان را وادارید، امر کنید و ... ولی اینکه او هم واجب است این کار را بکند؟! یک حالتی مانند اینکه می‌گوید بچه را تمرین بده، برای شما لازم است این کار را بکنید ولی بر او لازم نیست.

سوال: ۲۶:۳۷

جواب: فرض گرفتیم لقمان آن مقام را دارد، در روایات و المیزان مقام ثبوتی لقمان همان مقام است، در آن خیلی تردید نکردم، اگر کسی در آن تردید کند آن اشکال دیگری است، نمی‌گویم حتماً آن وارد نیست ولی من فکر می‌کنم آن روایات می‌گوید این مقام همان مقام است. اگر آن را بپذیریم بین این دو احتمال مردد می‌شود و بعید نیست احتمال دوم اقوی باشد، اگر هم اقوی نباشد لااقل این احتمال مانع می‌شود که بتوانیم الزام شرعی را از اینجا استفاده کنیم. در بحث اول گفتیم شرعیت این الزام معلوم نیست البته رجحان شرعی استفاده می‌شود ولی الزام شرعی استفاده نمی‌شود، ممکن است یک امر ولایی باشد.

بیان اقوال در دلالت آیه

۱. بعضی می‌گویند سیاق الزام را تضعیف می‌کند، این یک شاهد است.
۲. بعضی در نقطه مقابل برای الزام می‌گویند إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُور، امر عزمی یعنی کار واجب است، این هم دو اشکال دارد زیرا؛



۱. اولاً مِنْ عَزَمِ الْأُمُورَ احتمالاً بوصف علی ما أصابک می خورد نه به همه، اگر شک هم بکنیم این مثل استثنای متعدده است، إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورَ احتمال دارد به آخری بخورد، احتمال دارد به همه بخورد، برگشت آن به مورد آخر متیقن است و به همه خوردن قرینه نیاز به قرینه دارد.
۲. دوم اینکه إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورَ تردید است که دلالت بر وجوب کند، مرحوم علامه راجع به این بحث کرده اند.

مخاطب اوامر حضرت لقمان سلام الله علیه

در صورت استفاده الزام شرعی از خطاب جناب لقمان بر وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ، چون این خطاب، خطاب مشخصی است و خطاب لقمان به فرزندان خود است، سؤال این است آیا می توان این خطاب را به همه تسری داد؟ به نظر می آید بله؛ در این دو احتمال وجود دارد؛

۱. یک احتمال این است که القای خصوصیت می شود و برای همه واجب است؛ اگر از این آیه الزام شرعی به دست آوردیم، القای خصوصیت آن بعید نیست و وجهی برای فرزند لقمان و این و آن ندارد، اگر از مسئله قبلی عبور کردیم یعنی گفتیم از این الزام شرعی استفاده می شود نه بحث تربیت خانوادگی، در این صورت بعید نیست که بگوییم القای خصوصیت می شود و همه را دربر می گیرد؛
۲. ولی احتمال دارد که بگوییم آیه مربوط به بحث تربیت خانوادگی است و نمی توان القاء خصوصیت نمود و به تمام مکلفین سرایت داد.

نهایتاً این است که نمی توان وجوب را از این آیه استفاده کرد.

_____ برش ها _____

سوال: ۱۸:۵

جواب: به پا داشتن نماز به نگاه جمعی یعنی همه به آن توجه کنند، که به نحوی با امر و نهی گره می خورد.

سوال: ۲۴:۳۰

جواب: باید ببینیم آن قرینه می شود یا نمی شود.

سوال: ۲۶:۲۴

جواب: به عنوان امر نه، ما گفتیم اینهایی که از انبیا سلف در قرآن نقل می شود، وقتی سیره شان را نقل می کند این حتماً دلالت بر رجحان دارد.